

## عوامل موثر بر فرار دختران از خانه

پژوهشگر: فاطمه زواره ای

مشاوران: دکتر مصطفی اقلیما، حسین حاج بابایی

چکیده

این پژوهش تحت عنوان بررسی فرار دختران ۲۰-۱۴ سال از منزل انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، دخترانی هستند که به علت فرار از خانه، از تیرماه تا شهریور ماه سال ۱۳۷۹ در یکی از ازمایشگاه مراکز: "اقامتگاه موقت" وابسته به نیروی انتظامی، "خانه ریحانه" و مراکز "امید"، "ارشاد" و آصف وابسته به سازمان بهزیستی در شهر تهران نگهداری می‌شدند. تعداد یکصد نفر از این دختران فراری که مرتکب بزه نشده بودند به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است. با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش ۱۲ فرضیه بر مبنای متغیرهایی چون: ویژگیهای دموگرافیک، تعداد افراد خانواده، میزان تحصیلات، موفقیت تحصیلی، از هم‌گسیختگی خانواده، رضایتمندی از خانواده، احساس تعلق و وابستگی عاطفی با اعضای خانواده، نحوه نظارت والدین، چگونگی گذران اوقات فراغت و رضایتمندی از موقعیت خود در اجتماع و سطح تحصیلات والدین طرح گردید که به جز رابطه بین سطح تحصیلات والدین و فرار دختران فراری سایر فرضیه‌ها پذیرفته شد.

مقدمه

فرار نوجوانان و جوانان از خانه، امروزه در جهان به عنوان یک مساله و مشکل اجتماعی، توجه صاحب نظران را به خود جلب کرده است.

"راب و سلزنیک" می‌گویند: مساله اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که به نظر می‌رسد قدرتی که جامعه متشکل

برای تنظیم روابط بین افراد دارد با شکست روبرو می‌شود، نهادهای آن دستخوش تزلزل می‌شوند، قانونهای آن مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و انتقال ارزشهای آن از نسلی به نسل دیگر به سختی صورت می‌گیرد و چارچوب توقعات متزلزل می‌گردد.

"فرار دختران از منزل"، گرچه در نگاه اول، مسئله‌ای فردی به نظر می‌رسد ولی پیامدهای آن، اجتماعی است و سلامت اخلاقی جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد به طوری که زیانهای بسیار و گاه جبران ناپذیر به بار می‌آورد.

در علت یابی "فرار دختران از منزل"، به عوامل متعددی می‌رسیم که به صورتهای مختلف نقش دارند. شناخت ریشه‌های این کجروی و رفتار انحرافی، نخستین شرط چاره جویی و بیش از نیمی از درمان است، که ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است. بنا براین

## نتایج

داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد دختران جامعه آماری در گروه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال می‌باشند. ۷۳ درصد کل افراد جامعه مورد مطالعه غیر محصل و ۲۷ درصد محصل بوده‌اند. همچنین از صد درصد دختران قراری مورد مطالعه ۴۵ درصد تحصیلات راهنمایی و ۴۰ درصدشان تحصیلات دبیرستانی داشته‌اند. و ۱۵ درصد آنان بی سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی بوده‌اند. نتایج حاکی از آن است که ۴۸/۴۵ درصد از دختران فراری اظهار داشته‌اند که در تحصیلات خود تا حدودی موفق بوده‌اند. ۳۷/۱۱ درصد خود را نا موفق یا کاملاً ناموفق دانسته و فقط ۱۴/۴۴ درصد اظهار داشته‌اند که موفق یا خیلی موفق بوده‌اند. محل سکونت ۵۵ درصد دختران فراری مورد مطالعه شهر تهران بوده است در خصوص علت ترک تحصیل دختران فراری، بیشترین درصد، فراهم نبودن شرایط تحصیل در خانواده (۷۰/۴۹) را بیان کرده‌اند ۴۷ درصد دختران فراری دارای خانواده‌های با جمعیت تا ۸ نفر بوده‌اند. ۳۱ درصد خانواده نفر یا بیشتر داشته‌اند.

در بررسی رابطه بین از هم گسیختگی خانواده دختران فراری و فرار آنان، نتایج حاکی از آن است که ۲۱ درصد دختران فراری، پدر و مادرشان یا یکی از آنها فوت کرده‌اند، ۲۷ درصد پدر و مادرشان متارکه کرده و یا ازدواج مجدد داشته‌اند. یعنی رابطه بین از هم گسیختگی خانواده و فرار دختران معنی دار بوده است.

بررسی رابطه بین احساس تعلق و وابستگی عاطفی دختران فراری با اعضای خانواده و فرار آنان نشان می‌دهد که فقط ۱۷/۵۲ درصد دختران با مادران خود همصحبت‌اند و این در حالی است که ۴۸/۴۵ درصد آنان با هیچ یک از افراد خانواده شان و ۲۸/۸۷ درصد با سایر

باید گفت توجه به مسئله "فرار دختران از منزل" و اقدام در جهت کنترل، کاهش و رفع عوامل آن می‌تواند جامعه را در راه رسیدن به تعادل و سلامت و هدایت نسل جوان به برقراری روابط اجتماعی مناسب و بهنجار موفق کند. با توجه به ابعاد این پژوهش، از نظریه‌هایی که به تبیین پدیده فرار به عنوان یک انحراف اجتماعی و کجروی پرداخته‌اند، نظریه "جامعه‌پذیری"، نظریه "هویت اجتماعی"، نظریه "نظارت اجتماعی" و نظریه برچسب کجروی از قدرت تبیینی بالایی برخوردارند.

## روش

تحقیق حاضر یک پژوهش توصیفی معطوف به گذشته است. هدف در این تحقیق، تحلیل رابطه بین متغیرها به منظور یافتن علت بروز رویدادی خاص می‌باشد.

در پژوهش حاضر ۱۲ فرضیه مطرح شده که طی آنها رابطه بین متغیرهایی چون: ویژگیهای دموگرافیک، تعداد افراد خانواده، میزان تحصیلات، موفقیت تحصیلی، از هم گسیختگی خانواده، رضایتمندی از خانواده، احساس تعلق و وابستگی با اعضای خانواده، نحوه نظارت والدین، چگونگی گذران اوقات فراغت، رضایت مندی از موقعیت خود در اجتماع و سطح تحصیلات والدین دختران فراری و فرار آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

## آزمودنیها

تمامی دختران فراری ۲۰-۱۴ سال که مرتکب بزه نشده‌اند و از تیرماه تا شهریور ماه سال ۱۳۷۹ در مراکز وابسته به نیروهای انتظامی، شهرداری و بهزیستی در شهر تهران نگهداری شده‌اند، جامعه آماری این تحقیق بوده‌اند و تعداد یکصد نفر از این دختر با روش تصادفی به عنوان نمونه، مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

است که با توجه به درجه آزادی ۴ در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۱٪ -  $\alpha$ ) معنی دار است.

در بررسی رابطه بین رضایتمندی دختران فراری از موقعیت اجتماعی خود و فرار آنان، نتایج نشان می‌دهد که به اظهار ۳۶/۳۶ درصد افراد جامعه مورد نظر، دختران تا حد کم و خیلی کم از آزادی در جامعه برخوردارند. این، در حالی است که به اظهار ۲۹/۳ درصد، دختران اصلاً آزادی ندارند. به طور کلی ۲٪ محاسبه شده برابر ۱۲/۷۱ درصد است که با توجه به درجه آزادی ۳ در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۱٪ -  $\alpha$ ) معنی دار است.

هنگامی که در مورد میزان آزادی پسران در جامعه از دختران فراری سوال می‌شود ۶۸ درصد دختران فراری، اظهار می‌دارند که پسران در جامعه از آزادی زیاد و خیلی زیاد برخوردارند. و تنها ۲۴ درصد آنان معتقدند که پسران تا حدی در جامعه آزاد هستند. ۲٪ محاسبه شده برابر ۱۰۶/۶ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. به عبارت دیگر مشخص می‌شود که به اعتقاد دختران فراری، پسران در مقایسه با دختران از آزادی بیشتری در جامعه برخوردارند.

در بررسی رابطه بین تعداد دفعات فرار دختران و چگونگی ارزیابی آنان از زندگی خود، نتایج حاکی از آن است که ۲/۶۲ درصد دخترانی که یک بار فرار کرده‌اند، زندگی خود را ناموفق ارزیابی کرده‌اند و فقط ۲۴/۵۹ درصد آنان، زندگی خود را موفق می‌دانند. این در حالی است که ۷۱/۸۰ درصد دخترانی که ۲ بار و بیشتر فرار کرده‌اند زندگی خود را ناموفق می‌دانند و تنها ۱۰/۲۵ درصد آنان زندگی خود را موفق ارزیابی کرده‌اند. ۲٪ محاسبه شده برابر ۸/۲۶ است که با توجه به درجه آزادی ۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. همچنین در

افراد (خواهر، برادر، خاله و بستگان) همصحبت بوده‌اند. نتایج آزمون  $\chi^2$  نشان می‌دهد که ۲٪ محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است و بدین ترتیب مشخص می‌شود که بین احساس تعلق و وابستگی دختران فراری با اعضای خانواده و فرار آنان رابطه وجود دارد.

در مورد چگونگی گذراندن اوقات فراغت از کل افراد مورد مطالعه ۴۸ درصد جواب می‌دهند که اوقات فراغت خود را با دوستان و یا تنها در بیرون از خانه می‌گذرانند و ۴۲ درصد اظهار می‌دارند بدون داشتن برنامه‌ای برای گذراندن اوقات فراغت ندارند، به عبارتی اوقات فراغت خود را در منزل می‌گذرانند در حالی که فقط ۱۰ درصد دختران، اوقات فراغت خود را در کنار خانواده می‌گذرانند. ۲٪ محاسبه شده برابر ۲۵/۰۲ است که با توجه به درجه آزادی ۲ در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۱٪ =  $\alpha$ ) معنی دار است.

در بررسی رابطه بین نحوه نظارت والدین یا سرپرست دختران فراری و فرار آنان، ملاحظه می‌شود که، ۵۵/۱۱ درصد دختران اظهار داشته‌اند در انجام کارهای خود تا حد کم یا خیلی کم آزادی دارند. ۱۹/۳۸ درصد دختران فراری تا حد زیاد یا خیلی زیاد در انجام کارهای خود از آزادی عمل برخوردارند. ۲٪ محاسبه شده برابر ۲۸/۳۹ است که با توجه به درجه آزادی ۴ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. ۱۱ نفر از افراد جامعه تمایل به دادن پاسخ نداشته‌اند.

۴۱/۵۷ درصد دختران انتظار داشته‌اند به جای تنبیه مورد محبت خانواده قرار گیرند و ۱۱/۲۴ درصد انتظار داشته‌اند که از خطای آنان چشم پوشی شود. ۱۲/۳۶ درصد انتظار دادن آزادی و ۲/۲۵ درصد انتظار فراهم کردن شرایط ازدواج را داشته‌اند. ۲٪ محاسبه شده برابر ۴۷/۸۰

فراری از موقعیت اجتماعی خود و فرار آنان، نتایج نشان می‌دهد که به اعتقاد ۳۶/۳۶ درصد افراد جامعه مورد نظر، دختران تا حد کم و خیلی کم از آزادی در جامعه برخوردارند. این در حالی است که به اعتقاد ۳۰/۲۹ درصد آنان، دختران اصلاً در جامعه آزادی ندارند. به طور کلی  $\chi^2$  محاسبه شده برابر ۱۲/۷۱ درصد است که با توجه به درجه آزادی ۳ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است.

هنگامی که در مورد میزان آزادی پسران در جامعه از دختران فراری سوال می‌شود ۶۸ درصد از اظهار می‌دارند که پسران در جامعه از آزادی زیاد و خیلی زیاد برخوردارند و تنها ۲۴ درصد آنان معتقدند که پسران تا حدی در جامعه آزاد هستند  $\chi^2$  محاسبه شده برابر ۱۰۶/۶ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. به عبارت دیگر مشخص می‌شود که به اعتقاد دختران فراری، پسران در مقایسه با دختران از آزادی بیشتری در جامعه برخوردارند.

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالعات انجام شده در این پژوهش، نتیجه‌گیری می‌شود که متغیرهایی چون سن، تعداد افراد خانواده، میزان تحصیلات و موفقیت تحصیلی، از هم‌گسیختگی خانواده، رضایتمندی دختران از خانواده، احساس تعلق و وابستگی عاطفی با اعضای خانواده، نحوه نظارت والدین یا سرپرست، چگونگی گذران اوقات فراغت، رضایتمندی از موقعیت اجتماعی، تعداد دفعات فرار و عدم تمایل به بازگشت و چگونگی ارزیابی از زندگی می‌تواند در بروز رفتار فرار در دختران فراری موثر باشد.

بررسی رابطه بین تعداد دفعات فرار دختران فراری و عدم تمایل به بازگشت به منزل، نتایج حاکی از آن است که ۵۰ درصد دخترانی که یک بار فرار کرده‌اند، تمایل بازگشت به خانواده را دارند در حالی که ۸۲/۰۵ درصد دخترانی که دو بار یا بیشتر فرار کرده‌اند تمایل بازگشت به خانواده را ندارند.

نتایج حاصل از بررسی رابطه بین رضایتمندی دختران فراری از خانواده و فرار آنان حاکی از آن است که بیش از ۶۱ درصد از دخترانی که یک بار اقدام به فرار کرده‌اند، از طرز برخورد والدین یا سرپرست خود ناراضی بوده‌اند. ۱۸/۳۳ درصد از رفتار والدین یا سرپرست خود اظهار رضایت کرده‌اند. هیچکدام از دخترانی که دو بار یا بیشتر فرار کرده‌اند، از طرز برخورد والدین یا والدین یا سرپرست خود راضی نبوده‌اند. بنابراین در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین رضایتمندی دختران از طرز برخورد والدین یا والدین و یا سرپرست آنها و فرارشان رابطه معنی داری وجود دارد.

در بررسی رابطه بین احساس تعلق و وابستگی عاطفی دختران فراری با اعضای خانواده و فرار آنان ملاحظه می‌شود که فقط ۱۷/۵۲ درصد از دختران با مادران خود هم‌صحبت بوده‌اند و این، در حالی است که ۴۸/۴۵ درصد آنان یا هیچکدام از افراد خانواده هم‌صحبت نبوده‌اند و ۲۸/۸۷ درصد با سایر افراد (خواهر، برادر، عمه، خاله و بستگان) هم‌صحبت بوده‌اند. نتایج آزمون  $\chi^2$  نشان می‌دهد که  $\chi^2$  محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است و بدین ترتیب مشخص می‌شود که بین احساس تعلق و وابستگی دختران فراری با اعضای خانواده و فرار آنان رابطه وجود دارد و دختران فراری احساس تعلق و وابستگی مناسب و لازم با اعضای خانواده ندارند در بررسی رابطه بین رضایتمندی دختران



به هر شکل، موجب پناهجویی اعضای آن در کانونهای دیگر می‌شود. در میان دختران فراری، اولین تصمیم برای گریز از گسست و پناهجویی می‌تواند تصمیم به فرار از منزل باشد و گسستگی خانواده تاثیر قطعی در بروز رفتار ضد اجتماعی در آنها دارد.

"فیلیپ بارکر" می‌گوید: چنانچه روابط زناشویی رابطه‌ای سست باشد، پایه‌های لازم برای موفقیت آمیز بودن و مطلوب بودن عملکرد واحد خانواده لرزان و ضعیف خواهد بود.

فرزندان از والدین خود انتظار دارند که آنها را در پیروزی بر مشکلات یاری دهند، بدون آنکه کمک‌شان لطمه‌ای به استقلال آنان وارد آورد. بچه‌ها دوست دارند شخصیت آنها را همانطور که هست بپذیرند و مورد احترام قرار گیرند. به همین دلیل است که به محض آنکه از سوی والدین مورد سرزنش واقع می‌شوند برآشفته می‌شوند و ممکن است به عملی غیره منتظره دست بزنند.

"ارنست برجس" مهمترین کارکرد خانواده را پرورش و حفظ شخصیت اعضای آن می‌داند. به عقیده او، خانواده به منزله یک واحد شخصیت متعادل است که مهمترین وظیفه آن تشدید محبت بین زن و مرد و پرورش شخصیت فرزندان است.

در جامعه مورد مطالعه بیش از نیمی از دخترانی که اولین بار فرار کرده‌اند و نزدیک به ۹۰ درصد دخترانی که بار دوم و بیشتر دست به فرار زده‌اند از رفتار سرپرست خود راضی نبوده‌اند و این در حالی است که نزدیک به نیمی از آنها از خانواده خود انتظار محبت کردن به جای تنبیه کردن را داشته‌اند.

"اکبرن" می‌گوید: آنچه به عنوان کارکرد خانواده در نظر گرفته شده و تنها کارکردی است که نمی‌توان آن را به سازمانهای دیگر سپرد، همان کارکرد مهر و عطف است.

دخترانی که در سنین ۲۰-۱۴ سال اقدام به فرار می‌کنند غالباً از خانواده‌هایی پرآلود بوده‌اند که این شرایط موجب خلل در روابط عاطفی، کم مهری و محافظت ناقص، کم اعتمادی، تقسیم امکانات اندک و در نتیجه کاهش سهم فرزندان می‌گردد و می‌تواند اثر منفی در پرورش توانایی‌ها و استعدادها داشته باشد. دختران در سنین ۲۰-۱۴ بیشتر نیاز به خود شناسی و درک کم و کیف استعدادها، توانمندیها و رغبتها دارند، فرصت کافی والدین را می‌طلبند تا در این موارد به آنان کمک کنند.

بیشترین درصد دختران جامعه مورد مطالعه به اجبار و برخلاف میل خود از ادامه تحصیل باز مانده‌اند و تعداد کمی از آنان خود تمایل به ادامه تحصیل نداشته‌اند. به عبارتی مانع از ادامه تحصیل فرزند شدن به هر دلیل و آنها را بدون برنامه در منزل نگاه داشتن را می‌توان عاملی برای رفتار انحرافی آنان دانست.

طلاق والدین و محرومیت فرزند از دیدار و محبت پدر و مادر در بروز حالات عصبی و بدخلقی و تمرد و بالاخره ناسازگاری و عدم انطباق اجتماعی فرزند موثر است. جدایی پدر و مادر باعث می‌شود که فرزند، حسن اعتماد و وفاداری به خانواده را از دست بدهد و در سنین نوجوانی که مرحله شکل‌گیری شخصیت و آمایه شدن فرد برای ورود به عرصه اجتماع است و باید از حمایت‌های عاطفی و راهنمایی‌های پدر و مادر بهره‌مند گردد احساس بی‌پناهی و بی‌کسی می‌کند و دچار انواع اختلالات رفتاری و شخصیتی می‌گردد. نوع دیگری از طلاق که به آن طلاق روانی گفته می‌شود، نیز آثار سوء خود را دارد. در این نوع از گسست، ظاهراً پدر و مادر با هم زندگی می‌کنند و خانواده شکل ظاهر خود را حفظ کرده اما در روابط و مناسبات درونی به طور جدی آسیب دیده و دچار گسست و شده است. گسست ارتباطات عاطفی بین افراد خانواده

با توجه به ویژگیهای خاص دختران می‌توان گفت آنها بیش از پسران نیاز به توجه و محبت والدین دارند. دختر مادر را به عنوان هم‌صحبت، محرم راز و سنگ صبور می‌خواهد. مادرانی که نتوانند چنین نقشی را برعهده گیرند دخترانشان کسان دیگر را برای این منظور انتخاب می‌کنند.

الگوهای رفتاری والدین در نحوه نظارت بر فرزندان را می‌توان با تعاریفی چون: خانواده خودکامه، اقتدارطلب، دموکراتیک یا معتبر و قاطع، تساوی‌گرا و آسان‌گیر و عنان گسیخته شناخت.

در تربیت فرزندان باید آزادی و نظارت به موازات هم و به صورت متعادل اعمال شوند. داشتن برنامه مناسب برای اوقات فراغت به دختران کمک می‌کند که در کشف خویشمندی و شکوفا شدن استعدادها با قوه جسمی و روانی و بهبود روابط و مناسبات با خانواده و اطرافیان موفق شوند. احساس مقبولیت و احساس عدم تبعیض بین پسر و دختر در خانواده و می‌تواند اثر بسیار مثبتی در کاهش طغیان و کاهش انزوای اجتماعی داشته باشد.

میزان "خودباوری" یعنی اینکه فرد خود را شایسته مواجهه با چالشهای اساسی زندگی بداند، توانایی برقراری روابط شایسته انسانی و مراقبت از خود داشته و از نیروی جهشی کافی برای گذر از مشکلات زندگی برخوردار باشد که این حالت در دختران فراری در سطح پایینی قرار دارد.

- بمل آید.

فضای حاکم بر خانواده است. زمانی که فضای خانواده، عاطفی و صمیمی باشد، هر فرد می‌تواند آزادانه افکار و عقاید خود را بیان کند. و این موجب رشد و شکوفایی نیروی ادراک و قدرت خلاقه فرد می‌شود. به بیان دیگر می‌توان گفت: سلامت خانواده، معیار شناخت و سنجش جامعه از بعد انحرافات و آسیبهای اجتماعی است.

بیش از نیمی از دختران جامعه مورد مطالعه اظهار می‌دارند که والدین یا سرپرست آنها نظر خود را به آنها تحمیل می‌کنند و آنها در انجام کارهای خود از آزادی کمی برخوردارند و در صورتی که آنچه انجام می‌دهند مورد پسند و دلخواه والد یا والدین و یا سرپرست نباشد مورد تنبیه قرار می‌گیرند، تنبیه بدنی یا لفظی یا هر دو. و این در حالی است که "شلدون" و "اسپینورکلوک" در تحقیقات خود نشان داده‌اند که سختگیری و فشار بیش از حد والدین، از عوامل مهم ترک خانواده از سوی فرزندان محسوب می‌شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین احساس تعلق و وابستگی عاطفی دختران فراری با اعضای خانواده رابطه معنی داری وجود دارد. در محیط خانواده‌ای که فاقد محبت، اعتماد و اطمینان نسبت به یکدیگر است و والدین به تحقیر و ناسزاگویی فرزندان می‌پردازند، فرزندان نمی‌توانند رابطه عاطفی مطلوب با آنان برقرار کنند. اگر روابط عاطفی درست در خانه برقرار و احساس تعلق و وابستگی عاطفی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر قوی باشد، فرزندان در پیروی از هنجارها و سازگاری اجتماعی، رفتاری همسو با والدین خواهند داشت.

توزیع فراوانی دختران فراری بر حسب نظر آنان در مورد میزان آزادی دختران در جامعه

میزان آزادی	فراوانی	درصد
اصلا آزادی ندارند	۲۹	۲۹/۳
کم و خیلی کم	۳۶	۳۶/۳۶
ناحدی	۲۲	۲۲/۲۲
زیاد و خیلی زیاد	۱۲	۱۲/۱۲
جمع	۹۹	۱۰۰

توزیع فراوانی دختران فراری بر حسب نظر آنان در مورد میزان آزادی دختران در جامعه

میزان آزادی	فراوانی	درصد
اصلا آزادی ندارند	۲۹	۲۹/۳
کم و خیلی کم	۳۶	۳۶/۳۶
ناحدی	۲۲	۲۲/۲۲
زیاد و خیلی زیاد	۱۲	۱۲/۱۲
جمع	۹۹	۱۰۰

توزیع فراوانی دختران فراری بر حسب نظر آنان در مورد میزان آزادی دختران در جامعه

میزان آزادی	فراوانی	درصد
اصلا آزادی ندارند	۲۹	۲۹/۳
کم و خیلی کم	۳۶	۳۶/۳۶
ناحدی	۲۲	۲۲/۲۲
زیاد و خیلی زیاد	۱۲	۱۲/۱۲
جمع	۹۹	۱۰۰

توزیع فراوانی دختران فراری بر حسب نظر آنان در مورد میزان آزادی دختران در جامعه

میزان آزادی	فراوانی	درصد
اصلا آزادی ندارند	۲۹	۲۹/۳
کم و خیلی کم	۳۶	۳۶/۳۶
ناحدی	۲۲	۲۲/۲۲
زیاد و خیلی زیاد	۱۲	۱۲/۱۲
جمع	۹۹	۱۰۰

## منابع

- ۱- آگیرن و نیمکف ۱۳۵۷: زمینه جامعه‌شناسی؛ اقتباس ا.ج. آریان‌پور، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۲- ایذاک، استقان، ویلیام، ۱۳۷۴: جامع تحقیق و ارزیابی؛ کک ترجمه مرضیه کریم‌نیا، مشهد، انتشارات آستان قدس.
- ۳- بابایی، ناصر و دیگران ۱۳۶۹: نگرشی بر پدیده بی‌سرپرستی و مشکلات فرزندان دور از خانواده؛ تهران، انتشارات سازمان بهزیستی.

- ۴- باتومور، تی. بی. ۱۳۵۷: جامعه‌شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلجایی، تهران، شرکت سهامی متابهای جیبی.
- ۵- بارکر، فلیپ ۱۳۵۷: خانواده درمانی پایه: ترجمه محسن دهقانی، زهره دهقانی، تهران، انتشارات رشد.
- ۶- بیرو، آلن ۱۳۶۶: فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان.
- ۷- دانش، تاج‌زمان ۱۳۷۲: اطفال و جوانان بزهکار؛ مؤسسه تهران تایمز.
- ۸- رابرتسون، یان ۱۳۷۲: درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، کنش متقابل نمادی؛ ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۹- رضوی، محمدجواد ۱۳۵۲: انحراف جوانان بزهکار، تهران، چاپ فاروس ایران.
- ۱۰- رفیع‌پور، فرامرز ۱۳۷۸: انومی یا آشفتگی اجتماعی؛ تهران، انتشارات سروش.
- ۱۱- سیف، سوسن ۱۳۶۸: تئوری رشد خانواده؛ تهران، انتشارات الزهرا.
- ۱۲- شامیاتی، هوشنگ ۱۳۷۱: بزهکاری اطفال و نوجوانان؛ انتشارات پازنگ.
- ۱۳- شاملو، سعید ۱۳۷۲: روانشناسی شخصیت؛ تهران؛ انتشارات رشد.
- ۱۴- شرتزر، ئی پروس ۱۳۶۶: زندگی تحصیلی، شغلی؛ ترجمه طیبه زندی‌پور، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۵- شرفی، محمدرضا ۱۳۷۲: دنیای نوجوان، کندکاوی در بازنشاسی روحيات ۱۳ تا ۱۸ ساله‌ها تهران، انتشارات تربیت.
- ۱۶- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ۱۳۷۳: روانشناسی رشد، تهران، انتشارات مهر.
- ۱۷- شفیق‌آبادی، عبدالله ۱۳۶۷: مبانی روانشناسی رشد، مؤسسه اطلاعات.
- ۱۸- صدیق‌اورعی، غلامرضا ۱۳۷۰: بررسی مسایل اجتماعی ایران؛ تهران، انتشارات خوشه.
- ۱۹- قائمی، علی ۱۳۷۲: خانواده و مسایل عاطفی کودکان؛ تهران، انتشارات امیری.
- ۲۰- کریمی، عبدالعظیم ۱۳۷۸: روانشناسی تربیت کودکان؛ تهران، انتشارات تربیت.
- ۲۱- کوراکيوس، ویلیام بین ۱۳۶۷: بزهکاری نوجوانان، مسئله‌ای برای دنیای مدرن؛ ترجمه جعفر نجفی زند، ناشر نمایشگاه کتاب
- ۲۲- کی‌نیا، مهدی ۱۳۷۲: مبانی جرم‌شناسی؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳- لطف‌آبادی، حسین ۱۳۷۸: روانشناسی رشد؛ تهران، انتشارات سمت.
- ۲۴- محسنی، منوچهر، ۱۳۶۸: ضرورت شکل‌گیری تشکیلاتی که درخصوص آسیب‌های اجتماعی به تحقیق و تفحص علمی بپردازد. (اولین سمینار بررسی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، دفتر روابط عمومی سازمان بهزیستی)
- ۲۵- مطهری، محمدرضا ۱۳۷۸: شرحی بر جلوه‌های رفتاری امام خمینی؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۶- موس، رالف، ۱۳۵۷: نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی؛ ترجمه ژاله صدیقی، جمشید تهرانیان و فرهاد جهرمی، تهران، انتشارات عطایی.
- ۲۷- مینو جین. سالوادور ۱۳۷۳: خانواده و خانواده درمانی؛ ترجمه باقر ثنائی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۸- نادری، عزت‌ا، سیف‌نراقی، مریم، ۱۳۷۰: روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی؛ انتشارات بدر.
- ۲۹- نوابی‌نژاد، شکوه‌السنات ۱۳۷۱: رفتارهای بهنجار و نابهنجار؛ تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ۳۰- هی‌لی، جی ۱۳۷۰: روان درمانی خانواده، ترجمه باقر ثنائی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

1- Bartek, S.E. ; Krebs, D.L & Taylor , Mc. J., *Abnormal Psychology*, 1993 Feb, 102 (1): 66-73

2- Bartek, william H. ; Burkhead, E. Jane. *Education and treatment of children*, v12 n1 p73-81 Feb 1989

3- Byles , J. A., *Adolescent Girls in Need of Protection*, *American Journal of orthopsychiatry*,